

داستان ایمان گل ختمی، جوانی که هیچ دستگاهی را غیر قابل تعمیر نمی داند

جراح الکترونیک



راه تجربه



سحر نیکو عقیده روی تابلو کوچک مغازه اش نوشته شده «جراحی الکترونیک». اما اینجا اورا به نام دیگری می شناسند: «تعمیرکار جهنمی».! هر قطعه ای که دیگران از تعمیرش ناامید می شوند، به دست او دوباره زنده می شود. از یورد ماشین گرفته تا تجهیزات پزشکی، همه چیز را روی میز کارش می توان دید. ایمان گل ختمی متولد سال ۱۳۷۳ است و در رشته مهندسی پزشکی، گرایش بیوالکترونیک تحصیل کرده. بعد از دانشگاه مدتی در شهرک صنعتی طرق برای صاحب کار دیگری کار کرده؛ جایی که حتی یورد ماشین های سنگین و آمبولانس ها را هم تعمیر می کرد و تعمیر این قطعات از دست کمتر کسی برمی آمد. همین مهارت باعث شد نامش دهان به دهان بچرخد و مشتری هایش از گوشه و کنار شهر سرپرستند. او حتی در سال ۹۷ یک اختراع به نام دستگاه فتوترایی نوزاد هم به ثبت رسانده است. باین حال، این فقط گوشه ای از مسیر پرفراز و نشیب مبتکر محله آقامصطفی خمینی است که طی کرده؛ حالا او در همان شهرک برای خودش در یک اتاقک کوچک کار می کند و کلی داستان و خاطره از مسیری که تا به اینجا طی کرده است، دارد.



از دل
خرابکاری تا
نوآوری

مثل خیلی از بچه ها، اولین نشانه های علاقه و استعدادش از همان دوران کودکی بروز پیدا کرد؛ هنگامی که وسایل خانه را یکی یکی باز می کرد تا دل و روده شان را ببیند! هیچ وسیله ای از دستش در امان نبود، از رادیو گرفته تا ضبط صوت.

همین کنجکاوی ها بعد ها مسیرش را مشخص کردند. در دانشگاه، رشته مهندسی پزشکی را انتخاب کرد و در شاخه بیوالکترونیک ادامه داد. اما از آن دانشجویانی نبود که فقط به درس خواندن بسنده کنند. دوران دانشجویی اش پر بود از تجربه و ساخت و ساز، مثلاً همان زمان با همکاری یک مهندس، دستگاه رنگ پاش پودری و مخمل پاشی ساخت که با استفاده از جریان الکتریسیته قوی، رنگ را روی سطوح مختلف می نشانند. باین حال، مهم ترین تجربه اش در همان سال ها، ثبت اختراع دستگاه تخت فتوترایی بود. خودش می گوید: میل به رفتن از کشور داشتم، میلی که بعد تر فروکش کرد. اما همان موقع افتادم دنبال ثبت اختراع. کلی مقاله خواندم تا رسیدم به موضوع فتوترایی نوزاد. بعد شروع کردم به پیام دادن به استادان مختلف تا بالاخره توانستم با خانم دکتر عزت خداشناس، فوق تخصص نوزادان، ارتباط بگیرم. او از ایده ام استقبال کرد.

ایده ایمان، تولید دستگاهی برای درمان زردی نوزادان بود. مهتابی های دستگاه های معمولی، اشعه فرابنفشی دارند که می تواند سرطان زا باشد، اما او توانست دستگاهی طراحی کند با بازه تابشی کمتر و ایمن تر؛ دستگاهی که در عین سادگی، تفاوت بزرگی در سلامت نوزادان ایجاد می کرد.

گواهی نامه ثبت اختراعش حالا روی دیوار کارگاه کوچک او خودنمایی می کند؛ سندی که در سال ۹۸ از سوی سازمان ثبت اسناد کشور صادر شد. باین حال، دستگاهی که برای درمان زردی نوزادان ساخته بود هیچ وقت به مرحله تولید نرسید. خودش با خنده ای تلخ می گوید: در پژو هشکده بوعلی

اختراعی
که فراموش
شد

عکس: نیکو عقیده/شهرآرا

ایده تأمین
قطعات
کمیاب

ایمان پراز ایده و برنامه است. ذهنش مدام درگیر ساختن و بهتر کردن چیزهاست. علاقه اش به تولید، چیزی فراتر از یک شغل یا سرگرمی است؛ انگار خودش را در خلق و جان دادن به وسایل پیدا می کند. می گوید روزی می خواهد خط تولید خودش را راه بیندازد و قطعات مختلف الکترونیکی را به شکل گسترده تولید کند. یکی از هدف هایش هم راه اندازی مرکزی برای تأمین قطعات نایاب در بازار تهران و مشهد است؛ قطعاتی که نبودشان را هر روز هنگام کار حس می کند.

با تمام این ها، به نظر می رسد که او تمام وقت و انرژی اش را وقف کاری کرده که عاشقش است. کارگاهی کوچک و ساده دارد، اما درونش پراز رویا و تلاش است. از بیرون شاید فقط تعمیرکار باشد، اما هرکسی که او را می شناسد، می داند پشت هر دستگاهی که بنشیند هر چقدر هم که خراب باشد آن را زنده می کند. همان چیزی که به قول همکارانش او را از یک تعمیرکار معمولی، به «تعمیرکار جهنمی» تبدیل کرده است.

جان بخش
دستگاه ها

حالا روی میز کارگاهش از یورد ماشین های سواری و سنگین گرفته تا تجهیزات پزشکی دیده می شود. از او می خواهم درباره تعمیرهای خاصش بگویم؛ «این جور مورد ها زیاد بوده، مثلاً یکی از مشتری ها را ننده پیست

بود. اندازه خود ماشین خرجش کرده بود و موتور تقویتی برای ماشین گذاشته بود. اما ماشین گاز نمی خورد. اگر درست نمی شد مجبور بود تا تبریز برود. تعمیر که شد، هم صنف هایش هم یکی یکی پیش من آمدند.»

تا به حال از مراکز زیادی برای تعمیر دستگاه ها با او تماس گرفته اند. یک بار از یکی از مراکز معاینه فنی خودرو مشهد با او تماس گرفتند؛

«می گفتند دستگاهی داریم که هر پنج ماه خراب می شود.» ایمان سراغش رفت، ساعت ها پایش نشست، و در نهایت توانست ریشه مشکل را پیدا کند؛ اشکالی که سال ها کسی نتوانسته بود حلش کند. بعد از آن، دستگاه دیگر

حتی یک بار هم از کار نیفتاد. اما یکی از تعمیرهایی که خودش هنوز با حس خوبی از آن یاد می کند. ماجرای ماشین لباس شویی زن دایی مادرش است. همان دستگاهی که حتی

